

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/02/02

موضوع: أم المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیها) گوهر درخشان هستی!

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

جایگاه ویژه حضرت خدیجه کبری در کلام جبرئیل (علیه السلام)

جایگاه و منزلت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در مکتب وحی

حضرت آدم و مقایسه جالب همسر خود با همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

خیانت عجیب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» در حق حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

تأثیر شگرف اموال حضرت خدیجه (سلام الله علیه) در پیشبرد اهداف اسلام

فضیلت تراشی برای خلفا، راهی برای مقابله با فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اعتراف بزرگان اهل سنت به مقام والای حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

تماس بینندگان برنامه

«نماز تراویح»؛ سنت یا بدعت؟!؟

علاقه و محبت عجیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين السلام عليك يا أم المؤمنين السلام عليك يا زوجة سيد المرسلين السلام عليك يا خديجة الكبرى السلام عليك يا أم فاطمة الزهراء

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

امشب، شب رحلت شهادت گونه حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) هست و این شب را تسلیت عرض می کنیم. ان شاء الله که امشب و در تمام طول ماه مبارک امسال توانسته باشیم خودمان را مؤمن تر کرده باشیم تا فرزند خوبی برای مادر مؤمنین حضرت خدیجه کبری بوده باشیم.

به روال پنج شبهه شبها مهمان دیدگان شما هستیم و محضر شما گرامیان برنامه «حبل المتین» را تقدیم می کنیم. برنامه ای که این افتخار را داریم تا از محضر حضرت استاد آیت الله حسینی قزوینی بهره مند شویم.

ابتدائاً محضرشان سلام و عرض ادبی داشته باشیم و مانند همیشه از حسن مطلع های زیبای ایشان بشنویم که نسبت به دردانه حضرت خدیجه کبری، حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) بیان می کنند. محضرشان سلام عرض می کنیم، تسلیت عرض می کنم و در خدمتتان هستیم؛

آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم تسلیت عرض می کنم. همچنین خدمت همه عزیزان بیننده که در هر کجای این گیتی پهناور که بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می بینند، خالصانه ترین سلام را تقدیم می کنم. موفقیت روز افزون برای همه عزیزان از خداوند منان خواهانم.

رحلت جانگداز بلکه شهادت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) أم المؤمنین و أم الائمة النجباء را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

امشب برای رسول گرامی اسلام، حضرت صدیقه طاهره و امیرالمؤمنین که عمری با حضرت خدیجه کبری سر کردند، شب سختی است. جای خالی آن بزرگوار، آثار و نشانه‌های حضرت در خانه رسول الله برای این سه بزرگوار و دیگر مسلمانان و بنی‌هاشم به حق بسیار سخت بود.

جایگاه ویژه حضرت خدیجه کبری در کلام جبرئیل (علیه السلام)

بنده در ابتدای سخنم همیشه یادی از صدیقه طاهره می‌کنیم تا خودمان، شبکه، دست اندرکاران برنامه و بینندگان عزیز را بیمه حضرت فاطمه زهرا کرده باشیم. اجازه بدهید امشب از حضرت خدیجه شروع کنیم و با حضرت فاطمه زهراء خاتمه دهیم.

در کتاب «شجرة طوبی» جلد دو صفحه 235 مفصل در رابطه با لحظات آخر عمر حضرت خدیجه کبری مطالبی آورده است.

خلاصه مطالب این است که ماندن سه سال در شعب اُبی طالب چقدر از نظر روحی و جسمی بر حضرت خدیجه کبری سخت گذشت. حضرت خدیجه شبانه روز غم رسول اکرم را می‌خوردند، تا جایی که طولی نکشید که حضرت ابوطالب و خدیجه کبری از دنیا رفتند.

در این کتاب نقل شده است هنگامی که بیماری حضرت خدیجه شدت گرفت و علائم رحلت را در خود احساس کرد، رسول گرامی اسلام را خواست و عرض کرد: یا رسول الله! سه وصیت دارم.

وصیت اولم این است که اگر در حق شما کوتاهی کردم، مرا عفو کنی. حضرت رسول اکرم فرمود: من هیچ گاه از تو تقصیری ندیدم. تو تمام تلاش خود را به کار بردی، در خانه من بسیار خسته شدی و اموالت را در راه خدا مصرف کردی.

بنده عرض خواهم کرد که بنا بر آنچه مشهور است، هشتاد هزار شتر فقط بار تجاری حضرت خدیجه را حمل می کردند.

وصیت دوم من این است: یا رسول الله! مواظب دخترم فاطمه زهرا باشید. دخترم کوچک است، نگذارید بعد از من احساس غریبی و یتیمی کند. مبادا زنان قریش به او آزار برسانند. مبادا کسی سیلی به صورت او بزند. مبادا کسی بر سر او فریاد بکشد.

ما خدمت حضرت خدیجه عرضه می داریم ای کاش در مدینه بودید و می دیدید دخترتان بین در و دیوار فریاد می زند: یا ابتاه، یا رسول الله!!

حضرت خدیجه فرمود: وصیت سومم را خجالت می کشم بگویم، به دخترم فاطمه زهرا می گویم تا او به شما بیان کند.

حضرت سپس فاطمه زهرا را خواست و فرمود: نور چشمم به پدرت بگو من بسیار از قبر می ترسم. تقاضا دارم مرا با همان پیراهنی که در هنگام وحی به تن داشت دفن کند تا خدا به برکت آن لباس، فشار قبر را از من دور کند. حضرت صدیقه طاهره خدمت پدر رسید و عرضه داشت که مادرم چنین تقاضایی دارد. رسول گرامی اسلام پیراهنی که در هنگام وحی به تن داشت، به دخترش زهرا مرصیه داد و حضرت او را در اختیار حضرت خدیجه قرار داد.

وقتی می خواستند حضرت خدیجه را کفن کنند، علی رغم داشتن آن همه ثروت که عرض کردیم هشتاد هزار شتر اموال تجاری حضرت خدیجه را حمل می کرد، در خانه رسول اکرم حتی یک کفن نبود تا به تن حضرت خدیجه کنند.

در این هنگام جبرئیل امین نازل شد و عرضه داشت: یا رسول الله! کفن حضرت خدیجه را از بهشت آورده ام، زیرا او تمام اموالش را در راه خدا و برای پیشرفت اسلام مصرف کرده است.

رسول گرامی اسلام با کفنی که جبرئیل امین از بهشت آورده بود، حضرت خدیجه را کفن کرد و غسل و نمازش را به عهده گرفت.

«مرحوم شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «أمالی» تعبیری دارد که بسیار نکته ظریفی است. ایشان می‌نویسد: وقتی رسول اکرم در قبرستان ابوطالب خدیجه کبری را دفن کرد و به خانه برگشت؛

«تَلُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ تَدْوُرُ حَوْلَهُ وَ تَقُولُ: يَا أَبَتِ، أَيْنَ أُمِّي»

حضرت فاطمه زهرا دور پیغمبر می‌چرخید، دامن بابا و دست بابا را می‌گرفت و می‌فرمود: ای پدر، مادرم کجاست؟

رسول اکرم پاسخی نداشت که بگوید.

«فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ لَهُ: رَبُّكَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُقْرِئَ فَاطِمَةَ السَّلَامَ، وَ تَقُولَ لَهَا: إِنَّ أُمَّكَ فِي بَيْتِ مَنْ قَصَبٍ، كَعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَ عُمْدُهُ يَأْقُوتُ أَحْمَرَ، بَيْنَ آسِيَّةَ وَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ»

در این زمان جبرئیل امین نازل شد و عرضه داشت خدای عالم می‌فرماید: سلام مرا به زهرا برسان و بگو مادرت در بهشت در بهترین خانه‌های بهشتی در کنار آسیه و مریم بنت عمران است و با آنها هم نشین است.

«فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ»

الأمالي (للطوسي)؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، تاریخ وفات مؤلف: 460 ق، محقق / مصحح:

ندارد، ناشر: دار الثقافة، قم، 1414 ق، ص 175، ح 294

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء

مجری:

احسنتم، طیب الله انفاسکم. حضرت استاد خیلی ممنون و متشکر هستیم. ان شاءالله که بتوانیم حقیقتاً درک کنیم و به آن بانوی بزرگوار و دردانه‌شان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) معرفت داشته باشیم.

شب سختی برای فاطمه زهراست. همه برای فرزند بزرگوارشان وجود نازنین حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا کنیم.

ان شاءالله در این ایام پیش از آنکه به شب قدر برسیم خودمان را آماده کرده باشیم تا زمانی که می‌خواهند کارنامه یک سال آینده را تحویل حضرت دهند، حداقل در نگاه حضرت شرمسار نباشیم.

حضرت استاد ما در این قبیل مناسبت‌ها الحمدلله توفیق داریم راجع به جایگاه و منزلت صاحب آن روز و آن شب از محضرتان سؤال می‌پرسیم.

با توجه به مناسبت امشب از کلام حضرتعالی استفاده کنیم و می‌خواهیم سؤالمان را مطرح کنیم. ما با کلام حضرتعالی آشنایی داریم و می‌دانیم چیزی جز آنچه که در روایات آمده و آنچه مسلم و مسجل است، حضرتعالی بیان نمی‌فرمایید.

برای ما از جایگاه و منزلت حضرت خدیجه کبری در مکتب وحی و در سلسله آیات و احادیثی که برای ما وجود دارد، بفرمایید. از محضرتان استفاده می‌کنیم.

جایگاه و منزلت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در مکتب وحی

آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفوض أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

در رابطه با جایگاه خدیجه کبری (سلام الله علیها) در مکتب وحی از زبان پیغمبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) به قدری مطالب زیاد نقل شده است که شاید یکی دو جلسه زمان کافی نباشد، اما بنده امشب تلاش می‌کنم که تمام سؤالات جنابعالی را مختصراً بیان کنم.

ما برنامه پاورپوینتی هم آماده کردیم که ان شاء الله روی سایت قرار می‌دهیم تا دوستان استفاده کنند.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) حق بزرگی بر گردن اسلام و مسلمانان به ویژه شیعیان دارند. در روایت آمده است پرچم اسلام با تلاش رسول گرامی اسلام، شمشیر امیرالمؤمنین و اموال حضرت خدیجه برافراشته شد.

اولین نکته‌ای که در این زمینه مطرح است، این است که «جاحظ» یکی از علمای اهل سنت متوفای 255 هجری در کتاب «العثمانیه» مطلبی در این زمینه آورده است. لازم به ذکر است این کتاب اولین کتابی است که علیه شیعه نوشته شده است.

«ابن ابی الحدید معتزلی» در کتاب «شرح نهج البلاغه» جلد چهارم که جلد سیزدهم جدید است، همین عبارت را آورده است.

ایشان می‌نویسد در سالی که خداوند عالم افتخار نبوت را به نبی مکرم عنایت کرد، در کوه حراء در شهر رمضان بود در حالی که در کنار او حضرت خدیجه و حضرت ابی طالب بود. در این زمان جبرئیل نازل شد و فرمود:

(افزأ باسم ربك الذي خلق)

بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید.

سوره علق (96): آیه 1

این بالاترین درجه برای حضرت خدیجه است که اولین لحظه نزول وحی در کنار رسول گرامی اسلام است. البته از علمای شیعه هم «علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد پانزدهم همین تعبیر را نقل می‌کند.

دومین نکته این است که در کتاب «صحیح مسلم» روایتی آمده است که ظاهراً مربوط به کوه حراء است. در روایت آمده جبرئیل خدمت نبی مکرم اسلام رسید و عرضه داشت:

«هذه خديجة قد أتتك معها إناء فيه إدام أو طعام أو شراب»

خدیجه آمده و همراهش آب و طعامی برای شما آورده است.

«فإذا هي أتتك فأقرأ عليها السلام من ربها عز وجل ومنى»

وقتی حضرت خدیجه آمد، از طرف خداوند عالم و از طرف من به ایشان سلام برسان.

عزیزان دقت کنند که آیا ما چنین تعبیری در حق یکی دیگر از أمهات مؤمنین داریم یا خیر؟! جبرئیل می‌گوید:

«فإذا هي أتتك فأقرأ عليها السلام من ربها عز وجل ومنى»

وقتی حضرت خدیجه آمد، از طرف خداوند عالم و از طرف من به ایشان سلام برسان.

«وبشروها ببیت فی الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب»

و او را به قصری در بهشت از تارهای طلایی بشارت بده که نه در آنجا سر و صدایی است و نه مشکلاتی وجود دارد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، ج 4، ص 1887، ح 2432

حال در خصوص جمله «لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ» شارحین عباراتی دارند که ان شاء الله عرض خواهم کرد. در این قسمت چند روایت با این مضمون آمده است. همچنین در «صحیح بخاری» حدیث 7058 همین تعبیر را دارد:

«فَأَقْرَأَهَا مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ وَبَشَّرَهَا بِبَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ»

از طرف خداوند عالم و از طرف من به ایشان سلام برسان و او را به قصری در بهشت از تارهای طلایی بشارت بده که نه در آنجا سر و صدایی است و نه مشکلاتی وجود دارد.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 6، ص 2723، ح 7058

مبنای «بخاری» این است که تا می‌تواند این فضائل را کوچک‌تر می‌کند، به همین خاطر کلمه «ومنی» به معنای "از طرف من" را حذف کرده است. آقای «ابن حجر عسقلانی» وقتی به این عبارت می‌رسد، از قول رسول گرامی اسلام می‌نویسد:

«رَأَيْتَ لَخَدِيجَةَ بَيْتًا مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ»

خداوند عالم قصری به حضرت خدیجه می‌دهد که نه هیاهویی در آنجاست و نه ناراحتی و مشکلاتی به چشم می‌خورد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 1، ص 28، باب 4

ایشان در ادامه می‌نویسد: علت اینکه خداوند عالم چنین قصری را به حضرت خدیجه در بهشت می‌دهد، این است که حضرت خدیجه در طول 25 سال زندگی با رسول اکرم نه صدایش را برای رسول گرامی اسلام بلند کرد و نه ناراحتی برای حضرت ایجاد کرد.

حضرت خدیجه علاوه بر اینکه هیچگاه پیغمبر اکرم را اذیت نکرد، بلکه بهترین مونس رسول اکرم بود و در تمام غم‌ها و غصه‌ها در کنار حضرت و مایه آرامش آن بزرگوار بود.

به دلیل اینکه حضرت خدیجه مایه آرامش پیغمبر اکرم بود و هیچ سرو صدا و ناراحتی برای حضرت ایجاد نکرد، خداوند هم در بهشت قصری به حضرت خدیجه می‌دهد تا با اوصاف خدیجه در دنیا تطابق داشته باشد. ببینید چقدر زیباست!!

حضرت آدم و مقایسه جالب همسر خود با همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

«آقای عینی» متوفای 855 هجری در کتاب «عمدة القاری» شرح کتاب «صحیح بخاری» جلد اول صفحه 63 عبارتی دارد که بسیار جالب است. ایشان می‌نویسد حضرت آدم به حضرت خدیجه غبطه می‌خورد و می‌گوید:

«ما فضل الله به ابني علي أن زوجته خديجة كانت عوناً له علي تبليغ أمر الله عز وجل وأن زوجتي كانت عوناً لي علي المعصية»

یکی از تفضلات خداوند عالم بر فرزندم رسول اکرم این است همسرش خدیجه یاور او در تبلیغ امر الهی بود، اما همسر من یاور من در انجام معصیت شد تا ما را از بهشت خارج کرد.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت، ج 1، ص 63، ح 3

خیلی عجیب است. با این حال «ابن عساکر» در کتاب «تاریخ مدینه دمشق» در جلد 69 صفحه 108 روایتی از قول رسول گرامی اسلام نقل می‌کند و می‌نویسد وقتی حضرت آدم اسم رسول اکرم را مطرح می‌کرد، گفت:

**«إن أفضل ما فضل به علي ابني صاحب البعير لأن زوجته كانت عونا له علي دینه وکانت زوجتی عونا لی
علي الخطیئة»**

همسر من برای کار گناه در کنار من بود و باعث شد تا ترک اولی انجام دهیم، اما همسر فرزندانم رسول اکرم در طاعت خدا به او کمک کرد.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضل‌ها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن
إبن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید
عمر بن غرامة العمری، ج 69، ص 108، ح 9328

«صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» جلد دهم تعبیری از قول رسول اکرم دارد که می‌گوید:

«فضلت علی آدم بخصلتین»

خداوند عالم دو خصلت به من داده که به پدرم حضرت آدم هم نداده است.

«کان شیطانی کافرا فأعانی الله تعالی علیه حتی أسلم»

شیطانی که مأمور من بود کافر بود، اما خداوند به من توفیق داد شیطانم را مسلمان کنم.

«وکن أزواجی عونا لی»

همسر من یار و یاور من در مشکلات بود.

«وکان شیطان آدم کافرا وزوجته عونا له علی خطیئته»

شیطان آدم کافر بود و همسر او هم کمک کار او بود برای انجام خطاهایی که از حضرت آدم سر زد.

سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الصالحی الشامی، دار النشر: دار
الکتب العلمیة - بیروت - 1414 هـ الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض،
ج 10، ص 324، باب والثلاثون بعد المائة

مجری:

چقدر جالب است. نسبت به این روایتی که حضرتعالی لطف فرمودید و آوردید، در میان این همه خصوصیات
حضرت، روی همسران همدیگر دست می‌گذارند تا این امتیاز و برتری به واسطه حضرت خدیجه مشمول حال
حضرت شده است.

آیت الله حسینی قزوینی:

بله، واقعاً عجیب است. نکته دیگر این است که «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد دوم روایتی در این
زمینه دارد. ایشان می‌نویسد که پیامبر فرمود:

«سيدة نساء أهل الجنة بعد مريم فاطمة وخديجة وامرأة فرعون آسیة»

سرور زنان اهل بهشت بعد از حضرت مریم، فاطمه و خدیجه و آسیه همسر فرعون است.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة
الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج 2، ص

117، باب 16 خدیجة أم المؤمنین

همین تعبیر را «آقای هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد نه صفحه 201 آورده است و می‌نویسد:

«سيدات نساء أهل الجنة بعد مريم بنت عمران فاطمة وخديجة ثم آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون»

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«رجال الكبير رجال الصحيح»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي، دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407، ج 9، ص 201، باب مناقب فاطمة بنت رسول الله رضی الله عنها

«حاكم نیشابوری» هم همین روایت را در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» آورده است:

«قال رسول الله أمرت أن أبشر خديجة ببيت في الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب»

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 204، ح 4849

«احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» جلد اول این روایت را می‌آورد و می‌نویسد:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَأَسِيَةُ بِنْتُ مُرَاجِمٍ امْرَأَةٌ فِزَعُونَ وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ أَجْمَعِينَ»

بهترین زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون و مریم دختر عمران است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج 1، ص 293، ح 2668

مطالب در این زمینه زیاد است، اجازه بدهید به همین اندازه اکتفا کنیم.

مجری:

بزرگوارید. نسبت به اصل روایت اخیری که مطرح شد آنطور که نقل شده و واضح است، این است که همواره نیمی از جمعیت مردان بودند و نیمی زنان بودند. به عنوان نمونه همین روایت اخیر که حضرتعالی مطرح فرمودید.

ظاهراً ما روایاتی داریم که می‌فرمایند تنها همین چهار زن بودند که به درجات اعلای کمال رسیدند. آیا درست است؟!

خیانت عجیب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» در حق حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

آیت الله حسینی قزوینی:

بله، نکته زیبایی است. بنده به این سؤال سریع جواب می‌دهم. در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» جلد هشتم صفحه 93 مطلبی در این زمینه آمده است. مشاهده کنید که ایشان می‌نویسد:

«وفی صحیح البخاری أيضا عن أبي موسى قال قال رسول الله»

در کتاب صحیح بخاری هم آمده است ابو موسی اشعری نقل می‌کند که پیغمبر اکرم فرمود:

«کمل من الرجال کثیر»

از میان مردان افراد زیادی به کمال رسیدند.

«ولم يكمل من النساء إلا مريم بنت عمران وخديجة بنت خويلد وآسية امرأة فرعون»

از میان زنانی که به کمال رسیدند، اولین نفر مريم، دومین نفر خديجه و سومین نفر آسیه همسر فرعون بود.

ایشان بعد از این تعبیری دارد که اصلاً نمی‌دانم بگویم یا نگویم. او در ادامه می‌نویسد:

«وفضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام»

فضیلت عایشه بر دیگر زنان همانند فضیلت آبگوشت بر دیگر غذاهاست.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج 8، ص 93، باب عبید الله بن عباس بن عبد المطلب

در کتاب «کنز العمال» اثر «متقی هندی» هم از کتاب «صحیح بخاری» نقل شده است:

«خير نساء العالمين أربع: مريم بنت عمران؛ وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد، وآسية امرأة فرعون»

کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، اسم المؤلف: علاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1419 هـ- 1998 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ج 12، ص 65، ح 34404

«شوکانی» در کتاب «فتح القدير» می‌نویسد:

«وفى الصحيحين وغيرهما من حديث أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وإله وسلم قال كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا آسية امرأة فرعون ومريم بنت عمران وخديجة بنت خويلد»

در کتب صحیحین و دیگر کتب آمده است که ابوموسی اشعری گفته است: این چهار زن به نام‌های آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران و خدیجه بنت خویلد به کمال رسیدند.

فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، اسم المؤلف: محمد بن على بن محمد الشوكانى، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج 5، ص 257، باب التحريم: (12) ومریم ابنة عمران... ..

«ثعلبى» و دیگران هم همین تعبیر را آورده‌اند. دوستان حال به کتاب «صحیح بخارى» مراجعه می‌کنیم که فعلاً امروز در عربستان سعودی به چاپ رسیده است. بنظرم اگر وهابى‌ها با این کارى که کرده‌اند از خجالت زیر خاک بروند هم جا دارد.

«كَمَلَ مِنَ الرَّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةٍ فِزَعُونَ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ»

عزیزان دقت کنید که اسم حضرت خدیجه در کتاب «صحیح بخارى» نیست. من نمی‌دانم اگر با امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا و اهل بیت (علیهم السلام) عداوت دارید، با حضرت خدیجه چه دشمنی دارید که اینطور فضیلت آن بزرگوار را از کتاب «صحیح بخارى» حذف می‌کنید!!

همه نوشته‌اند که در صحیحین اسم حضرت خدیجه است، اما در «صحیح بخارى» اسم حضرت را نیاوردند. ایشان در ادامه می‌نویسد:

«وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص

1252، ح 3230

ظاهراً کسی که این روایت را جعل کرده است، به آبگوشت علاقه خاصی داشته و غذای مورد علاقه‌اش آبگوشت بوده است. در حقیقت از نظر ما این اصلاً توهین و جسارت به عایشه است.

ایشان می‌نویسد: فضیلت عایشه نسبت به دیگر زنان همانند فضیلت آبگوشت نسبت به دیگر طعام‌هاست. ظاهراً این شخص مثال دیگری به عقلش نرسیده تا فضیلت سازی کند. ظاهراً غذای مورد نظر این شخص آبگوشت بوده و تصور کرده همه این چنین هستند.

این روایت در کتاب «صحیح مسلم» هم نقل شده است. دقت داشته باشید تمام روایت‌هایی که نقل کردیم، همگی از قول «ابوموسی اشعری» است. «ابن کثیر دمشقی» و دیگران هم این مطلب را آورده‌اند. ایشان می‌نویسد:

«كَمَلَمَنْ الرَّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ غَيْرُ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَآسِيَةَ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ التَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1886، ح 2431

حال اینکه این افراد فردای قیامت می‌خواهند چه جوابی بدهند، نمی‌دانیم.

مجری:

أحسنتم. صرف اینکه انسان بتواند همین تحریف‌ها را ببیند، خودش برای پیدا کردن راه حق کافی است. حاج آقا اشاره‌ای فرمودید به روایتی که بعضاً در مناسبت‌ها زیاد می‌شنویم و آمده است که اسلام با مال خدیجه و شمشیر امیرالمؤمنین به پیروزی رسید.

تأثیر شگرف اموال حضرت خدیجه (سلام الله علیه) در پیشبرد اهداف اسلام

هرچند شاید در کل جهان اسلام سیف علی زیاد مطرح نشده باشد، اما در این برنامه زیاد راجع به این موضوع صحبت کردیم. حال دوست داریم راجع به اینکه اموال حضرت خدیجه (سلام الله علیها) چه تأثیری در پیشرفت اسلام داشت بیشتر بشنویم.

البته اگر اجازه بدهید یک فاصله بگیریم و برمی گردیم. شما بینندگان عزیز هم منتظر باشید، ان شاء الله این سؤال را بعد از فاصله کوتاه از محضر استاد خواهیم پرسید.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». تا این قسمت از برنامه از زبان حضرت استاد راجع به حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) شنیدیم.

اتفاقاً در همین فاصله یکی از افراد وارد شد و با حالت تعجب پرسید: آیا واقعاً حضرت خدیجه چنین مالی داشتند؟! آیا اصلاً هشتاد هزار شتر ممکن است؟!!

حال می‌خواهیم سخنان حضرتعالی را بشنویم. این مطلب کجا ذکر شده است و چه تأثیری در پیشرفت اسلام داشته است؟!!

آیت الله حسینی قزوینی:

«مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «بحارالانوار» جلد شانزده صفحه 22 می فرماید:

«و کان لخدیجة فی کلّ ناحیة عبید و مواشی»

حضرت خدیجه در هر منطقه‌ای از مناطق جزیره العرب بندگان و احشامی داشت.

«حتی قیل إن لها أزید من ثمانین ألف جمل متفرقة فی کلّ مکان»

تا جایی که نقل شده است بیش از هشتاد هزار شتر داشت که در تمام قسمت‌های جزیره العرب متفرق بود.

«و كان لها في كل ناحية تجارة و في كل بلد مال مثل مصر و الحبشة و غيرها»

حضرت در هریک از نواحی تجارتی داشت و در هر شهری مانند مصر، حبشه و دیگر بلاد اموالی داشت.

«و كان لخديجة دار واسعة تسع أهل مكة جميعاً»

خانه حضرت خدیجه به قدری گسترده بود که اگر تمام اهل مکه را دعوت می‌کرد، در خانه‌اش جا می‌شدند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 16،

ص 22، ح 19

تصویری که ملاحظه می‌کنید، مربوط به حصار خانه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است قبل از اینکه وهابی‌های پلید آن را خراب کنند. این هم اتاقی بود که خاص رسول گرامی اسلام بود. این تصویر هم قسمت کوچکی از اتاق است که متأسفانه توسط وهابی‌ها خراب شده است.

«مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد شانزدهم صفحه 71 عبارتی دارد و می‌نویسد:

«ثم إن خديجة قالت لعمها ورقة خذ هذه الأموال و سر بها إلى محمد ص و قل له إن هذه جميعها هدية

له و هي ملكه يتصرف فيها كيف شاء»

حضرت خدیجه به عمویش ورقة بن نوفل گفت: تمام ثروتی که من دارم هدیه‌ای به محضر رسول اکرم

است، تمام آن ملک پیغمبر اکرم است و هرطور که بخواهد می‌تواند خرج کند.

«و قل له إن مالي و عبیدی و جميع ما أملك و ما هو تحت یدی فقد وهبته لمحمد ص»

به پیغمبر اکرم بگو تمام اموال و بندگان و هرآنچه مایملک من و تحت اختیار من است را به رسول الله بخشیدم.

«فوقف ورقة بين زمزم و المقام و نادى بأعلى صوته يا معاشر العرب إن خديجة تشهدكم على أنها قد وهبت نفسها و مالها و عبيدها و خدمها و جميع ما ملكت يمينها و المواشى و الصداق و الهدايا لمحمد
ص»

ورقة بن نوفل مابین زمزم ایستاد و با صدای گفت: ای قبایل عرب آگاه باشید خدیجه همه را گواه می گیرد که خودش و تمام اموال و بندگان و خدم و حشمش را به پیامبر هبه کرد.

«و جميع ما بذل لها مقبول منه»

رسول اکرم هم این هدیه خدیجه را پذیرفت.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 16،
ص 71، ح 19

داستان ازدواج رسول گرامی اسلام و حضرت خدیجه بسیار مفصل است. نقل شده است افراد زیادی از اشراف برای خواستگاری حضرت خدیجه آمدند، اما آن بزرگوار جواب رد می دادند.

بعد از اینکه حضرت خدیجه با عمویش مشورت کرد، عمویش گفت: من در کتابها خوانده‌ام شخص بزرگواری در آخرالزمان می آید. عموی حضرت خدیجه نشانه‌هایی گفت که جز در رسول اکرم در کسی دیگر نبود.

نقل شده است حضرت خدیجه وقتی شب می خوابید، به این امید بود که چه زمانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به خواستگاری من خواهد آمد. همچنین زمانی که صبح می شد تا غروب در همین فکر بود و جز صورت و صفا و اخلاق رسول اکرم چیزی را نمی دید.

این فکر که یک روزی رسول اکرم به خواستگاری او خواهد بود، لحظه‌ای از فکر حضرت خدیجه بیرون نرفت. زمانی که حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب در خانه حضرت خدیجه آمدند، حضرت از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید و می‌خواست بال در می‌آورد.

شب سوم بود که عموهای پیغمبر اکرم و سادات و اکابر به خانه حضرت خدیجه آمدند. حضرت اموال و درهم و دینار و لباس‌های زیادی را برای ابوطالب فرستاد و گفت: ولیمه‌ای درست کن که تمام مردم مدینه در این ولیمه حضور داشته باشند.

مردم مدینه سه شبانه روز ولیمه عروسی حضرت خدیجه را تناول کردند. حضرت خدیجه سپس فرمود که برای طائف و مصر و دیگر بلاد از اموال من ولیمه‌هایی درست کنید تا مردم به یمن این امر خیر و ازدواج من با رسول الله اطعام کنند. در ادامه آمده است:

«و لم تزل تعمل فی شغل العرس ستة أشهر»

حضرت خدیجه شش ماه ولیمه ازدواجش را در شهرها و قسمت‌های مختلف پخش می‌کرد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 16،

ص 73، ح 19

نقل شده است رسول گرامی اسلام نیز از این اموال تعدادی از بندگان را آزاد کرد، افرادی که در شکنجه بودند نجات داد و افرادی که اسیر بودند را خرید و آزاد کرد.

در کتاب «امالی» اثر «مرحوم طوسی» با سند معتبر در صفحه 468 آمده است که رسول اکرم فرمود:

«مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ»

هیچ اموالی همانند اموال خدیجه برای من فایده نداشت.

«يُفَكُّ مِنْ مَالِهَا الْغَارِمَ وَ الْعَانِيَّ وَ يَحْمِلُ الْكُلَّ، وَ يَغْطِي فِي النَّائِبَةِ، وَ يَزُفُّ فُقَرَاءَ أَصْحَابِهِ إِذْ كَانَ بِمَكَّةَ، وَ يَحْمِلُ مَنْ أَرَادَ مِنْهُمْ الْهَجْرَةَ»

و این اموال را صرف کسانی که درمانده بودند، اسیر شده بودند، گرفتار بودند، افرادی که در راه مانده بودند، فقرای اصحاب که در مکه بودند و افرادی که می‌خواستند به مدینه هجرت کنند کردم.

الأُمالي (للطوسي): نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، تاریخ وفات مؤلف: 460 ق، محقق / مصحح: ندارد، ناشر: دار الثقافة، قم، 1414 ق، ص 468، ح 37

رسول گرامی اسلام در طول این سیزده سال تمامی اموال حضرت خدیجه را صرف این افراد کردند. همچنین سه سالی که مسلمانان در شعب اُبی طالب گرفتار بودند، هیچ درآمد و فعالیتی نداشتند و تنها اموال حضرت خدیجه به داد مسلمانان رسید. به واسطه این اموال طعام و غذایی تهیه می‌شد و در اختیار افراد قرار می‌گرفت.

فضیلت تراشی برای خلفا، راهی برای مقابله با فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

بعضی از آقایان مانند آقا سعید گل ما که چند وقتی هست خبری از ایشان نیست، می‌گفت: خلیفه اول اهل بهشت است، زیرا اموال زیادی را در راه اسلام خرج کرد.

ما در جواب گفتیم: ما هنوز به بهشت یا جهنم نرفتیم تا ببینیم بهشتی چه کسی هست و جهنمی کیست. بهشتی بودن و جهنمی بودن دست خداوند عالم است و ما هم بخیل نیستیم. اصلاً اگر خداوند عالم تمام خلایق را به بهشت ببرد، برای ما فرقی نمی‌کند.

بنده تنها یک جمله از «ذهبی» برای امثال آقا سعید نقل می‌کنم. در کتاب «میزان الاعتدال» جلد پنجم روایتی از قول «ابن عباس» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«ما ینفعنی مال ما ینفعنی مال اُبی بکر»

هیچ مالی مانند مال ابوبکر به من نفع نرساند.

«ذهبی» هم نسبت به این روایت می‌نویسد:

«هذا كذب»

این روایت دروغ است.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ج 5، ص 207، ح 6015

زمانی که رسول اکرم در مکه بودند، اموال حضرت خدیجه در اختیارشان بود و احتیاجی به اموال دیگران نداشتند. ما نمی‌خواهیم خیلی به حاشیه برویم، اما بعضی از آقایان مطالبی می‌گویند که مجبور می‌شویم جوابشان را بدهیم.

مطلبی نقل می‌کنیم که از کتاب «کافی» و «بحار الأنوار» نیست، بلکه در کتاب «صحیح بخاری» است. در کتاب «صحیح بخاری» روایتی از قول «ابو هریره» نقل شده است که می‌گوید:

روزی رسول اکرم از منزل بیرون می‌آمدند که مشاهده کردند ابوبکر و عمر در کوچه سرگردانند. حضرت فرمود: چرا در این ساعت بیرون آمده‌اید؟ آن‌ها گفتند: یا رسول الله ما گرسنه‌ایم و غذایی برای خوردن نداریم.

رسول اکرم این دو نفر را به خانه یکی از انصار برد. این شخص بسیار خوشحال شد و غذای خوبی با تمر و رطب آماده کرد و از پیغمبر اکرم و ابوبکر و عمر پذیرایی کرد.

این روایت بدان معناست که این افراد در مدینه برای خوردن و سیر شدن خودشان اموالی در اختیار نداشتند. این دروغ‌ها را درست نکنید.

ان شاء الله اگر توفیق داشته باشم، چندین جلسه در رابطه با بدل سازی‌ها و معادل سازی‌هایی که دودمان بنی امیه درست کردند توضیح خواهم داد.

هر روایتی در فضیلت حضرت فاطمه زهراء و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین بود، بنی امیه یک بدل هم برای خلفا درست کرده‌اند. به عنوان مثال پیغمبر اکرم فرمود:

«أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»

یا علی! جایگاه تو مانند جایگاه حضرت هارون به حضرت موسی است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1359، ح 3503

بنی امیه هم در جواب روایتی از قول پیغمبر اکرم جعل کردند که حضرت فرموده است جایگاه عمر و ابوبکر همانند جایگاه حضرت آدم و حضرت ابراهیم و حضرت نوح است.

اگر رسول گرامی اسلام، علی بن ابی طالب را به هارون تشبیه کرده است، عمر بن خطاب و ابوبکر را هم به پیامبران اولوالعزم و مرسل الهی تشبیه کرده است!!

بنده بیش از چهل مورد از بدل سازی‌های بنی امیه را ثبت کردم. غالب این بدل سازی‌ها را هم بزرگان اهل سنت مطرح کردند. اینها روایات دروغین، جعلی و ساختگی است و مربوط به زمان بنی امیه و بخشی از آن هم مربوط به زمان بنی العباس است.

در مناظراتی که بنده با آقایان وهابی و اهل سنت داشتم، می‌دیدم وقتی فضائی از خلفا در «صحيح بخاری» و «مسلم» و غیره می‌آید و یا می‌گویند:

«لو لم أبعث فيكم لبعث فيكم عمر»

اگر من مبعوث نمی‌شدم، عمر بن خطاب مبعوث می‌شد.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدال موجود، ج 4، ص 221، ح 4677

بنده گفتم اگر اینطور است، با این وجود خلافت ابوبکر باطل می‌شود. عمر که این مقام را داشت، پس چرا ابوبکر خلیفه شد؟ علی رغم مقام «عمر بن خطاب» چرا وقتی او خلیفه شد «طلحه»، «زبیر»، امیرالمؤمنین، انصار و مهاجرین اعتراض کردند و گفتند:

«تستخلف علينا فظا غليظا ولو قد ولينا كان أفظ وأغلظ فما تقول لربك إذا لقيته وقد استخلفت علينا عمر»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقیق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 434، ح 37056

مردم به صراحت اعتراض کردند و گفتند: از اینکه یک انسان بد اخلاق را بر ما مسلط می‌کنی، جواب خدا را چه خواهی داد؟! در این صورت باید ابوبکر جواب می‌داد که پیغمبر اکرم چنین چیزی فرموده است.

همچنین در قضیه سقیفه بنی ساعده مهاجرین و انصار با هم دعوا داشتند. اگر واقعاً این توصیفات که در «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» آمده درست بود، ابوبکر و عمر و «ابو عبیده حذاء» می‌گفت و مسئله تمام می‌شد و احتیاجی به شعار: «منا أمير، و منكم أمير» نبود. همچنین احتیاجی نبود که بگویند:

«اقتلوا سعدا قتل الله سعدا اقتلوه فإنه منافق»

سعده بن عباده را بكشيد كه او منافق است.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، ج 20، ص 21، باب إيراد كلام لأبي المعالي الجويني في أمر الصحابة و الرد عليه

احتیاجی نبود كه بینی «حاب بن منذر» را بشكنند. ضروریترین وقت برای بیان اینطور روایات همان وقت بوده است.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در زمان پیغمبر اکرم می فرمود كه من ولی امر بعد از رسول اکرم هستم. همچنین هنگام غسل پیغمبر اکرم وقتی سلمان قضیه سقیفه را مطرح می کند، حضرت می فرماید:

«شَهِدُوا نَصَبَ رَسُولِ اللَّهِ صِ إِيَّايَ لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍّ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

همه این افراد شاهد بودند كه پیغمبر به امر الهی مرا در غدیر خم برای امامت نصب كرد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 8، ص 344، ح 541

و بحث نصب خودشان را مطرح کردند. حضرت همچنین در هفتم رحلت پیغمبر اکرم در مجلس خطبه خواند و امامت خود را اعلام كرد. امیرالمؤمنین در شورای شش نفره خلافت خود را مطرح كرد. همچنین در زمان عثمان در جمع دویست نفر از صحابه خلافت خود را مطرح كرد.

حال روایتی بیاورید كه عمر بن خطاب و ابابكر در دوران خلافتشان یکی از این روایتها را از زبان خودشان نقل كرده باشند. چرا این افراد بعد از گذشتن مدتها از دوران بنی امیه چنین مطالبی بیان می کنند؟!

آش به قدری شور شده که صدای «ابن تیمیه» هم درآمده است و می‌گوید: عمده فضائلی که در رابطه با خلفا آمده زمان بنی امیه و بنی عباس ساخته شده است.

یکی از علمای اهل سنت می‌گوید: این افراد که می‌دیدند فضائل علی بن ابی طالب زیاد است، برای اینکه برای خلفا فضیلت تراشی کنند یک سری فضائلی را می‌ساختند به جهت اینکه با فضائل امیرالمؤمنین مقابله کنند.

مجری:

أحسنتم، واقعاً جای تعجب دارد. گاهی اوقات این نوع فضیلت تراشی‌هایی که حضرت استاد هم نمونه‌هایی از آن را فرمودند، به قدری آش را شور کرده است که صدای آشپز هم درمی‌آید.

نمونه‌ای از این فضائل، فضیلتی است که نسبت به خلیفه اول بیان داشتند یا فضیلت و کرامتی در فضل عایشه که گفته بودند فضائل او همانند فضیلت آنگوشت نسبت به سایر طعام‌ها داشت.

از این مسائل بگذریم. حضرتعالی بارها اشاره فرمودید که یکی از معجزات و کرامات اهل بیت این است که می‌بینیم بعضی مطالب در کتاب‌های خودشان از دستشان در رفته است. این افراد علی‌رغم اینکه قصد سانسور و تحریف داشتند، اما نتوانستند با این کنار بیایند.

آیا در مسئله فضیلت حضرت خدیجه کبری کسی از علمای اهل سنت چنین اعترافی داشته است که از سانسورها بیرون آمده باشد؟!

اعتراف بزرگان اهل سنت به مقام والای حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

آیت الله حسینی قزوینی:

بسیار جالب است. «آقای قرطبی» متوفای 671 هجری در کتاب «تفسیر» خود جلد چهارم صفحه 83 می‌گوید: ظاهر قرآن این است که حضرت مریم افضل از جمیع زنان عالم است، زیرا به ایشان وحی شده است. سپس می‌نویسد:

«ثم بعدها فى الفضيلة فاطمة ثم خديجة ثم آسية»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصارى القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 4، ص 83، باب آل عمران: (42) وإذ قالت الملائكة... ..

مشاهده کنید که ایشان اسمی از عایشه نیاورده است. آقای «مناوی» در کتاب «فیض القدير» شرح «جامع صغیر» اثر «سیوطی» در جلد چهارم می‌نویسد:

«سيدات نساء أهل الجنة أربع مريم وفاطمة وخديجة وآسية امرأة فرعون»

چهار زن سرور زنان اهل بهشت هستند. مریم و فاطمه و خدیجه و آسیه همسر فرعون.

فیض القدير شرح الجامع الصغیر، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 4، ص 124، باب حرف السين

ایشان در ادامه می‌نویسد: «حاکم» از عایشه نقل کرده و آن را تصحیح نموده است. «مناوی» در همینجا مفصل این مسئله را مطرح می‌کند و از قول «ابن عباس» می‌گوید: سرور زنان اهل بهشت مریم بعد از او فاطمه بعد از او خدیجه و بعد از او هم آسیه است.

همچنین «آقای ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد هفتم صفحه 109 از قول «سبکی کبیر» می‌نویسد:

«الذی ندين الله به ان فاطمة أفضل ثم خديجة ثم عائشة»

آنچه به عنوان دین قبول داریم این است که ابتدا فاطمه افضل است سپس خدیجه و بعد از آنها عایشه.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 7، ص 109، ح 3564

«آلوسی» نیز همین تعبیر را دارد. البته ایشان معتقد است که اگر حضرت مریم پیغمبر هم باشد، حضرت فاطمه زهرا از او بالاتر است. ایشان می‌نویسد:

«أن أفضل النساء فاطمة ثم عائشة»

باز هم می‌نویسد که از «امام سبکی» در این زمینه سؤال شد و او گفت:

«الذی نختاره وندين الله تعالى به أن فاطمة بنت محمد صلى الله تعالى عليه وسلم افضل ثم أمها ثم عائشة»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبو الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 3، ص 156، باب آل عمران: (42) وإذ قالت الملائكة... ..

آقای «ابن حجر» هم در کتاب «الإصابة فی تمييز الصحابة» می‌نویسد:

«وقد أثنى النبي على خديجة ما لم يثن على غيرها»

ثنا و مدحی که پیغمبر اکرم در حق خدیجه داشت، در حق احدی نداشته است.

الإصابة في تمييز الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر:

دار الجليل - بيروت - 1412 - 1992، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي، ج 7، ص 604، ح

11086

این روایات نمونه‌هایی است که آقایان علی رغم تعصبی که داشتند، نسبت به قضیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نقل کرده‌اند.

ما با اهل سنت کاری ندارم و وهابی‌ها هم که سر جای خود هستند. ما شیعیان از حضرت خدیجه در طول سال چقدر یاد می‌کنیم؟!

ما چه اندازه از فداکاری‌های حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را برای مردم می‌گوییم؟! آیا فردای قیامت عذری در پیشگاه حضرت خدیجه و رسول گرامی داریم؟!

ما خودمان را عرض می‌کنیم. امشب که شب رحلت حضرت خدیجه است، عذر تقصیر به پیشگاه مقدسه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و فرزند بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا می‌بریم. معذوریم که واقعاً نسبت به حضرت خدیجه کوتاهی می‌کنیم.

ما باید حداقل در هر ماه چند دقیقه از آن چه که حضرت خدیجه داشت، بیان کنیم. ایثار حضرت خدیجه و شمشیر امیرالمؤمنین بلند شد و قوام پیدا کرد و پرچم اسلام برافراشته شد.

نکته مهمی که بارها می‌گوییم درسی است که باید از این قضیه بگیریم، مخصوصاً کسانی که خداوند به آنها مکتب و ثروت و اموال داده است. هنگام رفتن از این دنیا گدا و شاه جز یک کفن نخواهند برد و قیمت کفن ثروتمندان گرانتر از قیمت کفن انسان‌های فقیر و تهیدست نیست.

چندی پیش تصویر یکی از ثروتمندان امارات در فضای مجازی منتشر شد. او فوق میلیاردی بود، به طوری که چند اتاق 18 متری مملو از شمش‌های طلا بود که همگی متعلق به این شخص بود. ایشان در بیان گرفتار شد، از گرسنگی مرد و روی قبرش هم نوشتند: قبر فلان بن فلان.

خداوند عالم می‌توانست این ثروت را در اختیار خود پیامبر اکرم بگذارد، اما نگذاشت. برداشت بنده این است که خداوند عالم می‌خواست درسی به ما و ثروتمندان اسلامی بدهد.

یک عده کار فرهنگی می‌کنند و یک عده هم باید پشتوانه آنها از نظر مالی باشند. همانطور که رسول گرامی اسلام کار فرهنگی و تبلیغی اسلام را برعهده گرفت.

اگر قرار بود رسول اکرم کارهای تجاری داشته باشد، دیگر اصلاً فرصتی برای تبلیغ امر دین نداشت. خداوند عالم حضرت خدیجه را مأمور کرد تا کارهای مالی و پشتوانه مالی را بر عهده بگیرد.

بنده بارها گفته‌ام اگر بخواهیم خیمه فرهنگی بزنیم، استوانه این خیمه مسائل مالی است. تا مسائل مالی نباشد ما نمی‌توانیم یک ورق چاپ کنیم، در اختیار مردم قرار بدهیم و برای نشر فرهنگ اهلیت تلاش کنیم.

خدا را به آبروی حضرت خدیجه سوگند می‌دهم. حضرت خدیجه در پیشگاه خداوند متعال خیلی آبرو دارد. خدایا تو شاهد باش، برای اینکه عبرتی برای دیگران باشد این مطالب را عرض می‌کنم.

یکی از نعمتهای بزرگ و بزرگی که خداوند عالم به این بنده حقیر سراپا تقصیر داده است، این است که هر روز قبل از زیارت عاشورا مصیبتی از حضرت خدیجه می‌خوانم و گریه می‌کنم سپس زیارت عاشورا را شروع می‌کنم. این یکی از بزرگترین نعمت‌هایی الهی از باب:

«یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 51،

ص 304، ح 19

است. خدا را به آبروی حضرت خدیجه سوگند می‌دهم این بلاى ناخوانده را که امروز مردم گرفتار هستند از جامعه ریشه کن کند. آمارهای امروز از چهارصد نفر در داخل کشور هم بالاتر رفته است.

این در اثر ناتدبیری بعضی از مسئولین است. ان شاءالله خداوند هدایتشان کند و همچنین کسانی که در این قضیه تعمد داشتند به حق حضرت خدیجه (سلام الله علیها) خودشان را گرفتار کند و شر آنها را از سر مردم کم و کوتاه کند.

ما در حوزه‌های علمیه چندین هزار روحانی و طلبه را در اثر کرونا از دست دادیم. دوستان برای من آمار فرستاده بود و واقعاً برایم وحشتناک بود.

خدا را به آبروی حضرت خدیجه سوگند می‌دهیم این بلا را از کشور ایران و دیگر کشورهای اسلامی و دیگر بلاد هرچه سریعتر برطرف کند و مردم را از شر این ویروس کرونا نجات بدهد.

همچنین ما از آن دسته از دوستانی که در به پا داشتن «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» از اموالشان گذشت و ایثار کردند و خدیجه وار ما را یاری کردند، سپاسگزاریم.

خدا را به آبروی حضرت خدیجه سوگند می‌دهم هرگونه بلا را از زندگی آنها دور کند و بهترین نعمت‌ها را بر زندگی آنها بباراند. از خداوند متعال می‌خواهیم صفا و صمیمیت و اخلاص به آنها عنایت کند و زندگی آنها را ختم به خیر بگرداند، ان شاءالله.

مجری:

ان شاء الله، الهی آمین. احسنتم، ان شاء الله که همینطور باشد. حضرت استاد از محضرتان بسیار تشکر می‌کنیم. ما سؤال زیاد داریم و دلمان نمی‌آید این سؤالات را نپرسیم. از طرفی بینندگان عزیز هم پشت خط هستند و پیام‌های صوتی و متنی هم زیاد هستند.

یک فاصله بگیریم و در ادامه اگر امکانش بود هم پاسخگوی تماس‌های تلفنی باشیم و هم پاسخگوی تماس‌های صوتی و متنی باشیم که چه بهتر، اما اگر هم نشد به یکی از اینها باید اکتفا کنیم. یک میان برنامه می‌بینیم، سریعاً برمی‌گردیم و در خدمتتان خواهیم بود.

السلام علیک یا أم فاطمة الزهرا (سلام الله علیهما)

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». الحمدلله امشب جلسه ما زهرایی و أم الزهرایی بود.

جلسه‌ای توانستیم معرفت‌مان را نسبت به أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری کامل‌تر کنیم. ان شاء الله بتوانیم مشمول شفاعت آن حضرت قرار بگیریم.

به جریان برنامه برگردیم. در این قسمت آخر همانطور که ملاحظه می‌فرمایید تلفن‌هایی زیرنویس شده و در اختیار شما هست. شما می‌توانید با برنامه خودتان تماس بگیرید و ما صدای شما را داخل استودیو می‌شنویم و ان شاء الله پاسخگوی آن‌ها خواهیم بود.

تماس بینندگان برنامه:

جناب آقای رضایی از خمینی شهر پشت خط هستند. آقای رضایی در خدمتتان هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای رضایی از خمینی شهر - شیعه):

سلام علیکم جناب آقای مرعشی سید نازنین و سلام به محضر حضرت آیت الله حسینی قزوینی.

مجری:

علیکم السلام.

آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

محضر مبارکتان عرض کنم که یقین دارم که قلب نازنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) راضی هست و دوست می‌دارد که ذکر و یاد و نام حضرت خدیجه (سلام الله علیها) برده شود.

چقدر حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) به این مسئله علاقه مند هستند و چقدر این مجلس و برنامه امشب مرضی نظر رسول خداست که برنامه مزین به ذکر نام آن بانوی مکرمه است که محبوب دل رسول اکرم بوده و است.

به قدری این فقدان مخصوصاً بعد از دست دادن حضرت ابوطالب بر قلب نازنین رسول خدا سنگینی کرد که در زمین با تمام وسعتش جایی نبود که دل رسول خدا تسکین پیدا کند.

بنابراین حضرت رب العالمین حضرتش را به معراج دعوت کرد که در آنجا فقدان حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب آن بزرگوار را تسلی بدهد.

حضرت استاد چیزی که می‌خواستیم بگویم، این است که در این ایام ماه مبارک رمضان قرآن کریم می‌فرماید:

(إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ

كَانَ تَوَّابًا)

هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و مردم را ببینی گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند. پروردگارت را تسبیح و حمد کن، و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است.

سوره نصر (110): آیات 1 تا 3

این اخوان به قدری تعصب گرفتند که رسول خدا را متهم می‌کنند. وقتی حضرت دید مردم در نماز تراویح به استقبال آنها بالا رفتند، به جای آنکه به شکرانه این نعمت با مردم بجوشد و نماز را اقامه کند به خانه‌اش رفت و در را بست.

بعد از آن قضیه وقتی به حضرت فشار آوردند و سؤال کردند که چه اتفاقی افتاد، حضرت فرمودند: من ترسیدم این مسئله بر شما واجب و فریضه شود. بنابراین از این مسئله خودداری کردم.

حضرت استاد صرف نظر فاکتور گرفتن از تمام حواشی این مسئله که چقدر مسئله ساز و بودار است، اگر امر خداوند بود که رسول خدا نماز تراویح بخواند آیا رسول خدا در شریعت این اختیار را دارد که بگوید بر مسلمانان واجب می‌شود و رسول خدا از این مسئله کناره بگیرد؟!

امیدوارم که امشب در همین برنامه جواب سؤالم را بگیرم. آقای مرعشی بنده در برنامه‌های قبل دو سؤال از حضرت استاد پرسیدم، اما فرصت نشد جواب بگیرم. سؤالات من به برنامه‌های بعد موکول شد. من دیگر موفق به دیدن برنامه‌ها نشدم و نمی‌دانم که آیا جوابم را دادند یا ندادند.

بسیار متشکرم، از محضرتان التماس دعا دارم. باز هم به پیشگاه شما و حضرت آیت الله و همه دوستان مخصوصاً به ساحت آقا بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تسلیت عرض می‌کنم. فی امان الله، خدا نگهدارتان باشد.

مجری:

سلامت باشید، خدانگهدار شما باشد. همچنین ما هم مجدداً تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم. صرفاً نسبت به صحبت‌های انتهایی کلام حضرتعالی آرشیو برنامه در اختیارتان هست.

اگر به آرشیو برنامه «حبل المتین» مراجعه بفرمایید، می‌بینید که قطعاً سؤال شما در جلسات آینده مطرح شده است. زمانی که سؤال را پرسیدید همان برنامه یا برنامه آینده را ندیدید، می‌توانید به سایت برنامه مراجعه کنید و پاسختان را دریافت کنید.

«نماز تراویح؛ سنت یا بدعت!؟»

آیت الله حسینی قزوینی:

در رابطه با نماز تراویح حرف بسیار زیاد است. ما اصلاً کاری به شیعه نداریم. آقایان به کتاب «صحیح بخاری» مراجعه کنند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به مسجد آمد، در حالی که دیدند عده‌ای مشغولند و عده‌ای نشسته‌اند.

«فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ مُغَضَّبًا»

حضرت از مسجد خارج شدند، در حالی که غضبناک بودند.

وقتی حضرت به خانه آمدند، در خانه پیغمبر را با سنگریزه می‌زدند.

«فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ مَا زَالَ بِكُمْ صَنِيعُكُمْ حَتَّى ظَنَنْتُمْ أَنَّهُ سَيَكْتَبُ عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنْ

خَيْرَ صَلَاةٍ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2266، ح 5762

باز در کتاب «صحيح بخارى» حديث 1905 آمده است:

«كان الأَمْرُ على ذلك في خِلافةِ أبي بكرٍ وَصَدْرًا من خِلافةِ عُمَرَ رضى الله عنهما»

اصلاً نماز تراویح در کار نبود نه در زمان پیغمبر و نه در زمان خلیفه ابوبکر و بخشی هم از خلافت عمر.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 2، ص 707، ح 1905

همچنین در کتاب «فتح الباری» اثر «ابن حجر عسقلانی» متوفای 852 هجری جلد چهارم صفحه 252 آمده است که ایشان می‌گوید:

«والأمر على ذلك أى على ترك الجماعة فى التراویح»

مردم به دستور پیغمبر اکرم نماز تراویح را ترک کردند.

«ولم یکن رسول الله جمع الناس على القيام»

پیغمبر اکرم به مردم نفرمود بیاید نماز تراویح را به جماعت بخوانیم.

فتح الباری شرح صحيح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج 4، ص 252، ح 1905

همچنین در کتاب «عمدة القاری» اثر «بدرالدین عینی» متوفای 855 هجری جلد ششم صفحه 125 همین مطلب را آورده است. این روایت در کتاب «إرشاد الساری» اثر «قسطلانی» جلد سه صفحه 425 هم آمده است. در این کتاب‌ها کاملاً این مسائل آمده است.

همچنین در کتاب «صحيح بخاری» حدیث 1906 آمده است که وقتی مردم به خلیفه دوم گفتند بیا بید نماز بخوانید، عمر بن خطاب گفت:

«نِعْمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ»

این کار چه بدعت خوبی است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 2، ص 707، ح 1906

اگر این مطلب در کتاب‌های شیعه بود، می‌گفتند شما به خلیفه دوم توهین کردید. آقایان از یک طرف می‌گویند:

«كل بدعة ضلالة وكل ضلالة تصير إلى النار»

تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج 34، ص 174، ح 3748

اما وقتی با جمله خلیفه دوم مواجه می‌شوند، می‌گویند: بدعت بر دو قسمت است؛ بدعت حسنه و بدعت سیئه. این قول بلامتشبیه همانند این است که بگوییم: زناي حسنه و زناي غير حسنه!! خلیفه دوم می‌گوید:

«نِعْمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ»

این بدعت خوبی است.

ایشان همچنین می‌گویند که در زمان پیغمبر اکرم و در زمان خلیفه اول هم چنین چیزی نبود. این‌ها مسائلی است که آقایان دارند، البته شاید دلیلی هم برای خودشان دارند و اقامه می‌کنند. فردای قیامت هم قطعاً برای دلیلشان پاسخی دارند.

شاید علمای بزرگوارشان این مطالب را نگویند، اما وظیفه ما این است و ناگزیریم که این مطالب را بیان کنیم.

مجری:

بسیار خوب. حضرت استاد در خلال صحبت‌های آقای رضایی مطلبی مطرح شد و ما هم دوست داشتیم بیشتر نسبت به این امر بشنویم. حضرتعالی در خلال صحبت‌ها فرمودید که حضرت خدیجه با فکر و ذکر نبی مکرم اسلام شب را روز می‌کردند و روز را به شب می‌رساندند.

در طرف مقابل این علاقه و اشتیاق نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) چطور بوده است؟!

علاقه و محبت عجیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

آیت الله حسینی قزوینی:

بنده نمی‌دانم در خصوص علاقه نبی مکرم اسلام به حضرت خدیجه چه بگویم. کتاب «مستدرک حاکم» تعبیری دارد که می‌گوید پیغمبر فرمود:

«زوجنی خدیجة وکنت لها عاشقا»

من با خدیجه ازدواج کردم در حالی که به او عشق می‌ورزیدم.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3،
ص 201، ح 4840

جالب این است که در کتاب «صحيح مسلم» تعبیری آمده است که می‌گوید:

«إِنِّي قَدْ رَزَقْتُ حُبَّهَا»

خداوند محبت و عشق خدیجه را روزی من کرده است.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء
التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1888، ح 2435

در کتب شیعه تعبیر جالبی آمده است. در کتاب «بحارالانوار» جلد شانزدهم صفحه 78 آمده است:

«وَ كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَ بِهَا وَامِقًا»

رسول الله حضرت خدیجه را دوست داشت و دلباخته حضرت بود.

«فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَبَاهِي بِكَ كَرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مِرَارًا»

یا خدیجه خداوند عالم در طول روز چندین بار به وجود تو بر ملائکه مباهات می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 16،
ص 78، ح 20

بعد از وفات حضرت خدیجه هم پیغمبر اکرم لحظه‌ای از یاد خدیجه غافل نیست. همچنانکه در روایت آمده
است:

«وَأَنَّ كَانَ لِيَذْبَحُ الشَّاةَ ثُمَّ يَهْدِيهَا إِلَى خَلَائِفِهَا»

وقتی پیغمبر اکرم قربانی می‌کشت، گوشت‌ها را برای کسانی می‌فرستاد که با حضرت خدیجه دوست بودند و رابطه داشتند.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1888، ح 2435

بازهم در کتاب «صحیح مسلم» حدیث 2436 آمده است که می‌گوید:

«لَمْ يَتَزَوَّجِ النَّبِيُّ عَلَى خَدِيجَةَ حَتَّى مَاتَتْ»

تا زمانی که خدیجه همسر پیغمبر اکرم بود، حضرت همسر دیگری اختیار نکرد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1889، ح 2436

حضرت خدیجه بیست و پنج سال یعنی یک سوم عمر مبارک پیغمبر اکرم با حضرت بود. «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد هفتم تعبیری دارد و می‌نویسد: رسول اکرم در زمان حضرت خدیجه اصلاً همسری انتخاب نکرد؛

«لَأَنَّهَا اغْنَتْهُ عَنْ غَيْرِهَا»

زیرا حضرت خدیجه تمام فضائل و نیکویی‌هایی که زنها داشتند را به تنهایی داشت.

آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری!! ایشان در ادامه می‌نویسد: دلیل اینکه حضرت خدیجه بیست و پنج سال با رسول اکرم بود و حضرت با وجود ایشان همسری انتخاب نکرد؛

«وهی فضیلة لم یشاركها فیها غیرها»

فضلیت بی نظیری برای حضرت خدیجه است که کسی در آن با حضرت شریک نیست.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 7، ص 137، ح 3607

عزیزان دقت کنند نقل شده است رسول اکرم یک سال در فراغ حضرت خدیجه گریه می‌کرد، نه یک روز و دو روز و ده روز. حضرت یک سال عزای عمومی اعلام کرد و در این یک سال اشک از چشمان مبارک رسول اکرم جاری بود.

وقتی حضرت بیرون می‌رفت، کفار قریش طعنه می‌زدند و اذیت می‌کردند. وقتی حضرت به خانه باز می‌گشت، به یاد حضرت خدیجه و محبت‌ها و صفا و عشق آن بزرگوار می‌افتاد.

هرگاه حضرت خدیجه رسول الله را غمناک می‌دید، دور حضرت می‌چرخید و می‌فرمود: یا رسول الله! تمام زندگیم به فدای تو. خدیجه به فدای تو، چرا غمناک هستی؟!

حضرت به یادش می‌آمد لحظاتی را که خدیجه می‌آمد و برایش غذا می‌آورد. رسول اکرم هر روز جای خودش را در کوه حراء تغییر می‌داد. حضرت خدیجه در دامنه کوه با وجود خستگی صدا می‌زد: حبیبی محمد، حبیبی محمد!

در یکی از روزها حضرت خدیجه جبرئیل را دید که سلامی داد. حضرت بسیار نگران به سمت رسول اکرم آمد تا مبادا کسی برای ترور پیغمبر اکرم نیامده باشد. رسول اکرم فرمود: خدیجه ناراحت نباش، شخصی که به تو سلام داد برادرم جبرئیل بود.

بنابراین علاقه رسول اکرم به حضرت خدیجه تا آخر عمر ادامه داشت و حضرت را لحظه‌ای از یاد نبرد. لحظه‌ای نبود و مناسبتی پیش نمی‌آمد که رسول اکرم یادی از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نکرده باشد.

هنيئاً لها سلام الله عليها و حشرنا الله تبارك و تعالى معها و مع أولادها أن شاء الله

مجری:

ان شاء الله، الهی آمین. حضرت استاد بسیار از محضر تان تشکر می‌کنیم. الحمد لله توانستیم از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بشنویم.

همچنین از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند تشکر می‌کنیم. عزیزانی که تماس گرفتند، اما فرصت نشد که تماسشان را وصل کنیم.

بعضی دوستان مانند آقای کلهری و دیگر دوستان سؤالاتشان راجع به حضرت خدیجه و راجع به بعضی روایات نسبت به فضائل عایشه و دیگران مطرح شده بود. الحمد لله جواب سؤالاتشان را در همین برنامه از حضرت استاد شنیدند و گفتیم بیشتر از محضر استاد استفاده کنیم.

تشکر می‌کنیم از همه شما دوستان عزیز و ارجمند، ان شاء الله ما را از دعای خیرتان بی نصیب نگذارید. تا دیدار آینده خدانگهدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته